

برنامہ پروردگار یکتا

## کانت و اختلاف نظر میان مفسران فلسفہ او

کریم مجتہدی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران ۱۴۰۰



## پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فروشگاه کتاب: خیابان کریم‌خان‌زند، بین قرنی و ایرانشهر، پلاک ۱۷۶ تلفن: ۸۳۱۷۱۹۲

### کانت و اختلاف نظر میان مفسران فلسفه او

مؤلف: کریم مجتهدی

مدیر انتشارات: یدالله رفیعی

مدیر تولید و نظارت: سیدمحمدحسین محمدی

ویراستار: میثم سفیدخوش

مسئول فنی: عرفان بهاردوست

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: آوای خاور

قیمت: ۱۰۰،۰۰۰ تومان

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: مجتهدی، کریم، ۱۳۰۹ -

Mogtahedi, Karim

عنوان و نام پدیدآور: کانت و اختلاف نظر میان مفسران فلسفه او / کریم مجتهدی؛ ویراستار میثم سفیدخوش.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۴۱۷ ص.

شابک: 978-622-7689-05-1

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه.

یادداشت: نمایه.

موضوع: کانت، ایمانوئل، ۱۷۲۴ - ۱۸۰۴ م. -- نقد و تفسیر

موضوع: Kant, Immanuel, 1724 - 1804 -- Criticism and interpretation

موضوع: فلسفه آلمانی -- قرن ۱۸ م. -- تاریخ و نقد

موضوع: Philosophy, German-- 18th century-- History and criticism

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

Institute for Humanities and Cultural Studies

رده بندی کنگره: B۲۷۹۸

رده بندی دیویی: ۱۹۳

شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۰۵۶۱۹

وضعیت رکورد: فیبا

## فهرست

۱۳	مختصری با خوانندگان
	قسمت اول
۲۳	شکل‌گیری افکار کانت و مسائل فلسفه نقادی او
۲۳	I. شکل‌گیری افکار کانت تا سال ۱۷۷۰م
۲۶	II. اعتبار علم و اخلاق
۲۸	III. نظر کونوفیشردر باره کانت
۲۹	VI. مسئله ضرورت اخلاق
۲۹	V. روش خاص کانت
۳۳	طرح نقادی عقل محض و شناخت نظام‌مند فلسفه نظری کانت
۴۵	تأملی در عنوان کتاب نقادی عقل محض کانت
۵۱	دو پیشگفتار کانت برای چاپ‌های اول و دوم کتاب نقادی عقل محض
۵۲	پیشگفتار اول
۵۴	پیشگفتار دوم
۶۰	مقدمه کانت برای کتاب نقادی عقل محض
۶۰	I. درباره اختلاف شناسایی محض و شناسایی تجربی
۶۱	II. ما واجد تعدادی از شناخت‌های ماتقدم هستیم و ذوق سلیم نیز بر آنها صحنه می‌گذارد
	III. فلسفه نیازمند علمی است که به نحو ماتقدم، امکان اصول و گسترش هر نوع شناختی را تعیین می‌کند
۶۲	VI. درباره وجوه تفارق احکام تحلیلی و تألیفی
	V. به عقیده کانت در تمام علوم نظری نوعی احکام تألیفی وجود دارند که به عنوان اصول به کار برده می‌شوند
۶۴	
۶۵	IV. مسئله کلی عقل محض

۴ کانت و اختلاف نظر میان مفسران فلسفه او

۶۶	IIV. نظریه یک علم کلی که نقادی عقل محض خوانده می‌شود و تقسیمات آن
۶۸	کانت و نیوتن
۷۷	تمهیدات
۸۶	بعضی از اولین منتقدان و مفسران فلسفه کانت
۹۰	۱. کارل لئون هارد رینهولد
۹۱	۲. انتقادات مایمون از فلسفه کانت
۹۱	۳. انتقادات شولزه
۹۱	۴. تفسیر زیگموند بک
۹۲	۵. تفسیر گوتفرید باردیلی
۹۲	چند نکته درباره نقد و تفسیر فلسفه کانت
۹۳	ژاکوب فردریک فریز، یکی از مفسران اولیه فلسفه کانت در آلمان
۹۳	زندگینامه ژاکوب فردریک فریز
۹۶	نظریه شناخت بی واسطه و ناخودآگاه
۹۸	تعمیم همه جانبه روانشناسی فلسفی
۹۹	تأثیر در اخلاق
۱۰۲	خانم استائل، معرف ادبیات و فلسفه آلمان در فرانسه
۱۰۳	زندگینامه
۱۰۴	خانم استائل و ناپلئون
۱۰۵	خانم استائل و اروپا
۱۰۶	سفرهای دورودراز
۱۰۷	سالهای آخر عمر
۱۱۰	کانت به روایت خانم استائل
۱۲۷	انتشار فلسفه کانتی در اروپا
۱۲۸	I. فلسفه کانت در آلمان
۱۳۰	II. در فرانسه
۱۳۴	III. ایتالیا
۱۳۵	VI. کشورهای انگلوساکسون
۱۳۶	شماه‌ای از یادداشت‌های مترجم کتاب اسکروتون درباره کانت به زبان فارسی

## فهرست ۵

- اختلاف نظر در فلسفه نقادی کانت در آلمان و وحدت کلمه در اعتبار فلسفه آگوست کنت در فرانسه ۱۳۹
- فرهنگ فرانسه در اوایل قرن نوزدهم ۱۴۴
- زندگینامه و تحصیلات آگوست کنت ۱۴۵
- افکار آگوست کنت ۱۴۷
- طبقه‌بندی علوم ۱۴۷
- علم و فلسفه در فرانسه (نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی) ۱۵۲
- فلیکس راوِشن ۱۵۶
- زندگینامه ۱۵۶
- فلسفه راوِشن ۱۵۸
- نقادی ثنویت ۱۵۹
- هنر چیست؟ ۱۶۰
- ژول لاشلیه ۱۶۱
- زندگینامه ۱۶۱
- فلسفه لاشلیه ۱۶۲
- امیل بوترو ۱۶۷
- زندگینامه، تحصیلات و آثار ۱۶۸
- آثار ۱۶۹
- مختصری درباره فلسفه شخصی بوترو ۱۷۰
- توجه خاص محمدعلی فروغی به فلسفه شخصی امیل بوترو ۱۷۱
- بررسی «تذکرات لازم» محمدعلی فروغی در آخرین جلد سیر حکمت در اروپا، در ابتدای فصل چهارم، یعنی به گفته خود او، «آخرین منزل» کتاب ۱۷۵
- هانری برگسن ۱۷۹
- زندگینامه، نوجوانی و تحصیلات ۱۸۰
- برگسن فیلسوف ۱۸۲
- فلسفه و مابعدالطبیعه ۱۸۳
- فلسفه برگسن ۱۸۴
- استمرار ۱۸۵
- مقابله با فلسفه‌های تحصیلی و علم‌گرایی ۱۸۵
- مابعدالطبیعه تحصیلی ۱۸۷

۶ کانت و اختلاف نظر میان مفسران فلسفه او

۱۸۷	شهود و هوش
۱۸۸	جهش حیاتی
۱۸۸	روابط نفس و جسم
۱۹۲	انسان‌شناسی، جایگاه انسان در طبیعت
۱۹۵	اسوالد اشپنگلر
۱۹۸	زندگینامه
۲۰۰	جریان بندر آگادلیبر
۲۰۲	اشپنگلر و رایش سوم (سالهای ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۶ م.)
۲۰۴	آثار اشپنگلر
۲۰۴	انحطاط غرب
۲۰۸	اوصاف پروسی و سوسیالیسم
۲۰۸	عکس‌العمل‌ها در مقابل کتاب انحطاط غرب
۲۰۹	انسان و صنعت
۲۱۴	اشپنگلر و هیدگر
۲۱۵	چهره ماندگار اشپنگلر
۲۱۷	هوستون استوارت چامبرلن
۲۱۷	زندگینامه
۲۲۳	ازکوهن تا کاسیرر
۲۲۳	هرمان کوهن
۲۲۴	افکار کوهن
۲۲۵	ارنست کاسیرر
۲۲۵	زندگینامه
۲۲۸	آشنایی اجمالی با مارتین هیدگر
۲۲۸	زندگینامه هیدگر
۲۲۹	ماربورگ
۲۳۰	فرایبورگ
۲۳۱	دوره بعد از جنگ
۲۳۱	اندکی درباره زندگانی خصوصی هیدگر
۲۳۲	فلسفه

فهرست ۷

۲۳۲	کتاب وجود و زمان - وجود حاضر
۲۳۵	آثار متأخر هیدگر
۲۳۶	هیدگر و بنیان تاریخ
۲۳۶	تاریخ فلسفه غرب از نظرگاه هیدگر
۲۳۹	هوسرل
۲۳۹	کیرکگارد
۲۳۹	هولدرلین و نیچه
۲۴۰	انتقاد از هیدگر به سبب پیوستن به حزب نازی
۲۴۳	مباحثه کاسیرر و هیدگر درباره فلسفه کانت در داؤس سوئیس
۲۵۱	کاسیرر منتقد هیدگر
۲۵۱	۱. کانت و جمهوری وایمار
۲۵۳	۲. آرمانهای شیلر
۲۵۴	۳. منورالفکری، حربه سیاسی
۲۵۴	۴. فراموشی خطرناک
۲۵۴	۵. حقوق طبیعی
۲۵۵	۶. سنت فلسفی آلمان
۲۵۵	۷. ماربورگ و عصر روشنگری
۲۵۶	۸. نوکانتیان دانشگاه ماربورگ
۲۵۶	۹. کانت و تعصب ملی
۲۵۷	۱۰. سهم گوته
۲۵۷	۱۱. سهم هگل
۲۵۷	۱۲. روایت کاسیرر از عصر روشنگری
۲۵۸	۱۳. وحدت آلی عصر روشنگری
۲۵۸	۱۴. اخلاق مقدم بر روشنگری
۲۵۸	۱۵. آگاهی بر اساس نقادی از خود
۲۵۹	۱۶. کاسیرر و نوشته کوتاه «روشنگری چیست؟» کانت
۲۵۹	۱۷. کاسیرر و عقل محض
۲۶۱	هیدگر، مفسر کانت
۲۶۳	الف. سرآغاز احیای مابعدالطبیعه
۲۶۵	ب. بسط اساس مابعدالطبیعه

۲۶۵	ج. اصالت اساس مابعدالطبیعه
۲۶۵	د. تکرار و توجه مجدد به اساس مابعدالطبیعه
۲۶۸	۱. معنای سنتی مابعدالطبیعه
۲۶۸	۲. سرآغاز احیای اساس مابعدالطبیعه سنتی
۲۶۹	۳. احیای اساس مابعدالطبیعه به صورت نقادی عقل محض
۲۶۹	۴. ماهیت کلی شناخت
۲۷۰	۵. قلمرو اصلی احیای اساس مابعدالطبیعه
۲۷۰	۶. طرح مراحل احیای اساسی وجودشناسی
۲۷۰	۷. روش انکشاف، منشأ و ریشه
۲۷۱	۸. شهود حسی محض در شناخت متناهی
۲۷۱	۹. زمان نیز به عنوان شهود محض کلی تلقی می شود
۲۷۱	۱۰. عامل دیگری که شناسایی خاص انسان را بیشتر محدود و متناهی می سازد
۲۷۱	۱۱. مفاهیم محض یا همان مقولات بیانگر وجود هر موجودی می باشند
۲۷۲	۱۲. تأمل درباره این مسئله
۲۷۲	۱۳. وحدت ذاتی شهود حسی و تفکر محض
۲۷۲	۱۴. مسئله مقولات و سهم منطق استعلایی
۲۷۲	۱۵. امکان درونی وحدت ذاتی تألیف وجودی
۲۷۳	۱۶. دوره استنتاج استعلایی
۲۷۳	۱۷. استنتاج
۲۷۴	۱۸. امر استعلایی و انتقال آن به شهود حسی
۲۷۴	۱۹. تصویر و شاکله
۲۷۴	۲۰. شاکله و «تصویر-شاکله»
۲۷۵	۲۱. «تصویر-شاکله»
۲۷۵	۲۲. شاکله سازی استعلایی
۲۷۵	۲۳. شاکله سازی و ادغام امور جزئی در کلی
۲۷۶	۲۴. اصل تألیف استعلایی
۲۷۶	۲۵. امر استعلایی و احیای اساس مابعدالطبیعه
۲۷۶	۲۶. درباره تخیل استعلایی به عنوان مقوم شناخت مبتنی بر وجودشناسی
۲۷۷	۲۷. تخیل استعلایی به عنوان سومین قوه اصلی شناسایی نزد انسان
۲۷۷	۲۸. تخیل استعلایی و شهود محض



## فهرست ۹

۲۷۷	۲۹. تخیل استعلایی و عقل نظری
۲۷۸	۳۰. تخیل استعلایی و عقل عملی
۲۷۸	۳۱. انصراف کانت از نظریه تحلیل استعلایی
۲۷۸	۳۲. تخیل استعلایی و رابطه آن با زمان
۲۷۸	۳۳. زمان درونی در تخیل استعلایی
۲۷۹	۳۴. زمان در مقام تأثیرپذیری و صفت تأثیرگذاری خود
۲۷۹	۳۵. اصالت اساس برقرارشده تخیل و مسئله مابعدالطبیعه
۲۷۹	۳۶. احیای اساس مابعدالطبیعه به صورت انسان شناسی
۲۸۰	۳۷. مفهوم انسان شناسی فلسفی
۲۸۰	۳۸. مسئله ذات انسان و نتیجه حقیقی حاصله از احیای اساس مابعدالطبیعه توسط کانت
۲۸۱	۳۹. مسئله تعیین امکان متناهی انسان
۲۸۱	۴۰. تأمل در اساس مسئله «وجود» به منظور ورود به مسئله تناهی انسان
۲۸۱	۴۱. فهم وجود و «هست بودن انسان»
۲۸۲	۴۲. وجود و زمان
۲۸۲	۴۳. سرآغاز و جریان وجودشناسی
۲۸۲	۴۴. هدف وجودشناسی بنیادی
۲۸۳	۴۵. معنای تصور وجودشناسی بنیادی و نقادی عقل محض
۲۸۴	تأملی در تفسیر هیدگراز فلسفه کانت

## قسمت دوم

۲۹۷	مقدمات ورودی به قسمت دوم کتاب
۳۰۴	آیا می توان کانت را مفسر لایب نیتس دانست؟
۳۰۹	لایب نیتس و کانت
۳۱۳	۱. مقدمه
۳۱۹	۲. اصل امتناع تناقض
۳۲۰	۳. وحدت غیر متمایزها
۳۲۰	۴. جوهر و ماده
۳۲۲	۵. مکان و زمان
۳۲۳	۶. ادراک و تفکر
۳۲۶	۷. نفس و جسم

۱۰ کانت و اختلاف نظر میان مفسران فلسفه او

۳۲۸	۸. آزادی و عامل
۳۲۹	۹. مکانیک و نظم طبیعت
۳۳۱	۱۰. کلام و عدل الهی
۳۳۵	تحول علوم فیزیکی و جایگاه فلسفه نقادی
۳۳۶	I. ورترهایزنبرگ
۳۳۸	اصل عدم قطعیت
۳۳۸	موقعیت خاص هایزنبرگ در دوره حکومت نازیها از سال ۱۹۳۳ تا سال ۱۹۴۵م
۳۳۹	پژوهش علمی در دوره جنگ بین المللی دوم از ۱۹۳۵ تا ۱۹۴۵م
۳۳۹	هایزنبرگ بعد از جنگ
۳۴۰	II. مکانیک کوانتومی و فلسفه نظری کانت
۳۴۷	فلسفه های جدید و علوم مطرح نوین
۳۴۹	آلبرت انیشتین
۳۵۱	نسبیت خاص
۳۵۱	نسبیت عام
۳۵۱	جلسه مباحثه برگسن و انیشتین
۳۵۳	حواشی برای کتاب استمرار و مقارنه
۳۵۵	۱. خلاصه پیشگفتار برگسن برای چاپ اول کتاب / استمرار و مقارنه
۳۵۶	۲. پیشگفتار برای چاپ دوم کتاب به سال ۱۹۲۳م.
۳۵۷	سرنوشت کتاب / استمرار و مقارنه
۳۵۷	خلاصه نامه ژان وال
۳۶۰	ژیل دلوز و حضور ضمنی افکار کانت، برگسن و بسیاری دیگر در نظرگاه او
۳۶۲	زندگینامه، کودکی و تعلیمات
۳۶۶	استاد فلسفه
۳۶۸	فعالیت سیاسی دلوز در دهه شصت
۳۷۰	آخرین سال های عمر
۳۷۱	آشنائی با محتوای چند اثر دلوز
۳۷۲	دروس دلوز در ونسن
۳۷۲	کتاب تفاوت و تکرار
۳۷۳	درمانگاه و سیاست

فهرست ۱۱

۳۷۵	فلسفه زیباشناسی
۳۷۵	پروست و علائم
۳۷۶	منطق و احساس
۳۷۷	سینما به عنوان تصویر - حرکت و تصور - زمان
۳۷۸	اختلاف و تأثیر افکار ژیل دلوز
۳۸۱	دلوز منتقد کانت
۳۸۷	فلسفه نقادی و منطق صوری
۳۸۹	I. منطق به طور کلی
۳۹۱	II. درباره منطق استعلایی
۳۹۱	III. درباره تقسیمات منطق کلی به تحلیلی وجدلی
۳۹۲	VI. جنبه‌های دیگر
۳۹۸	چند نکته نهایی
۴۰۹	فهرست اعلام
۴۱۹	فهرست آثار مؤلف



## مختصری با خوانندگان

در دهه‌های اخیر در دانشگاه‌ها و در بعضی از مؤسسه‌های رسمی فرهنگی ایران، تحقیقات نسبتاً زیادی در زمینه فلسفه‌های غربی انجام گرفته که در این میان گویی نام کانت و آثار او، به مرور مقام اول را یافته‌اند. در سالهای اخیر، حتی افزون بر مطالعات جنبی، چند متن اصلی نیز از نوشته‌های او به فارسی ترجمه و یا اقتباس شده‌اند. اعتبار این نوشته‌ها به هیچ وجه یکسان و برابر نیست و در واقع ارزیابی علمی درستی نیز از آنها هنوز به عمل نیامده است. در جامعه ما کتابها می‌آیند و می‌روند و هرچند گاهی در بعضی از مجلات فرهنگی به اختصار معرفی می‌شوند، ولی هیچگاه به معنای واقعی کلمه مورد نقد و بررسی قرار نمی‌گیرند. در ایران، فلسفه اغلب نوعی حاشیه غیرلازم تلقی می‌شود و همچنین در نحوه استفاده درست از آن نیز نه فقط سوء تفاهم‌های گوناگون وجود دارد، بلکه گاهی سوءنیت‌ها نیز برای خود جایگاهی پیدا کرده‌اند. از این لحاظ به نحوی به ناچار اصطلاح «فلسفه‌بافی» گاهی مترادف «سفسطه» به کار می‌رود و گویی ذهن ناخواسته، حتی شاید خواسته، به مطالب بی‌فایده مشغول شده و قصد فریب مخاطبان خود را دارد و یا به هر ترتیب قادر نیست واقعاً به چون و چند نظرگاه خود وقوف پیدا کند.

معمولاً در شرایط طبیعی و سالم، در فعالیت‌های ذهنی انسان، توجه به «کاربرد عملی» می‌شود. البته از آنجا که «عمل» تعلیق‌پذیر نیست و چون «تأمل» بطور عادی در کوتاه مدت تحقق پیدا نمی‌کند، ارزش و اعتبار آن نیز به ناچار زیر سؤال می‌رود. البته نمی‌توان فراموش کرد که تأمل نیز، در حد خود، مقتضیاتی دارد و بیشتر به آینده می‌اندیشد و از انجام عمل فوری روی برمی‌گرداند و به همین دلیل چه بسا در آن نوعی سهل‌انگاری پدید می‌آید و به همین دلیل اکثر مردمان فکری عمل را مذموم می‌دانند که البته همینطور هم هست، ولی آیا چنین باوری را همیشه صادق می‌توان دانست! هرچند واقعاً فکری عمل مذموم است و همگان درباره این

موضوع توافق دارند، ولی آیا همچنین نمی توان گفت که چه بسا صدمه و خطر عمل بدون فکر نیز بسیار خطرناکتر و دامنه دارتر از فکری عمل است!

در هر صورت نگارنده با بیش از شصت سال تدریس فلسفه در دانشگاهها و مدارس عالی پایتخت، سهم فلسفه - خاصه فلسفه های عصر جدید غرب - را به لحاظ آموزشی در تمام رشته های دانشگاهی بنیادی تشخیص داده است، البته به شرطی که درست تدریس شده و جنبه واقعاً تخصصی داشته باشند. باید صراحتاً اعلام کرد که در دانشگاهها - اعم از قدیم یا جدید - سه وظیفه اصلی وجود دارد: آموزش، پژوهش و ترویج علم و فرهنگ. به همین دلیل در سطح وسیع جامعه، تدریس یک دوره تاریخ عمومی علم و فلسفه که خواه ناخواه با یکدیگر ارتباط نزدیک نیز دارند، لازم به نظر می رسد. از این رهگذر دانشجویان می توانند آگاهی های عمومی لازمی را پیدا کنند و همچنین کیفیت رشته های خود را نیز به نحوی تضمین نمایند. فرآورده های مراکز علمی و دانشگاهها نباید افرادی باشند که فقط محفوظاتی را به زبان می آورند زیرا چنین کسانی نه فقط به اعتلای علم و فرهنگ کمک نمی کنند، بلکه کمترین صدمه آنها، همان ممانعت از رشد طبیعی فرهنگ جامعه است. این نوع افراد معمولاً کلمات بیگانه را - بدون اینکه به معانی مختلف آنها توجه کنند - به جا، یا نا به جا به زبان می آورند که جز حاکمیت جهل مرکب در جامعه چیز دیگری از آنها عاید نمی شود. در هر صورت فراموش نمی توان کرد که این نوع جهل بسیار خطرناکتر از جهل بسیط و سالم است که حداقل دلالت بر بی ادعائی می کند و در آن از لفظ پراکنی های الفاظ بیگانه خودداری می شود.

نگارنده متوجه است که آوردن این مطالب در ابتدای کتابی که در واقع بیشتر به کانت و جنبه های خاصی از فلسفه او اختصاص داده شده، جائز نیست و حتی شاید به نحوی موجب بد فهمی اهداف تعلیمات فلسفی بشود. در هر صورت منظور این نیست که فلسفه از هر نوعی که باشد باید «هدف» تلقی شود. همچنین مسلم است که انحصاراً با پرداختن به آن نمی توان همیشه به نتایج مطلوبی رسید. از نظر دور نباید داشت که فلسفه هیچگاه الزاماً هدف نبوده و نخواهد بود، بلکه اغلب نوعی وسیله است ولی با این حال به ناچار همچنین به کاربرد این وسیله نیز باید توجه کرد. مسلماً عبث خواهد بود که فلسفه را صرفاً غایت بینداریم و به فلسفه شناسی و فلسفه دانی اکتفاء کنیم، با اینکه همین نیز در جای خود برای متخصصان نهایت ضرورت و اهمیت را دارد و برای این نوع اطلاعات نیز باید ارزش قائل شد. در هر صورت بدون تأمل و دقت کافی از وضع فرهنگ حاکم بر جامعه، نباید از مسائل

انضمامی و ملموس غافل باشیم و آنها را از ابعاد واقعی لازم و از امکانات ذهنی خود دور بداریم و یا خدای ناکرده در ارزیابی های خود از انکشاف افق های جدید ممانعت کنیم. به هر ترتیب تا مسائل درست طرح نشوند، راه حل های احتمالی آنها نیز به نحو واقعی به دست نخواهند آمد.

نگارنده اطلاع کلام را در این مختصر جاز نمی داند؛ با این حال لازم است که قبل از آغاز بحث های اصلی، اندکی نیز به لحاظ نظرگاه تاریخی از ورود نام کانت و افکار او به ایران به اجمال سخن بگوییم. در هر صورت یکی از بهترین راه ها برای پیدا کردن سرخ ها، نگاه تاریخی است. گذشتگان ما در نوع خود، کمتر از ما فاقد آگاهی و تصمیم نبوده اند و حتی شاید بیشتر از ما نگران تحولات فرهنگی ایران بوده اند. در هر صورت تجربه آنها برای ما مغتنم و بدون شک مفید خواهد بود.

در یکی از منابع نسبتاً قدیمی زبان فارسی یعنی کتاب معروف *بدیع الحکم*، اثر ملاعلی مدرس زنوزی (تاریخ تحریر ۱۳۰۷ و تاریخ چاپ سنگی ۱۳۱۴ ه.ق) شاید برای اولین بار، در قسمت آخرین کتاب اشاره ای به نام کانت شده است، ولی آن را «کان» نوشته اند. البته شرح ماجری نسبتاً طولانی است و مربوط به جواب سئوالاتی می شود که بدیع الملک میرزا، پسر امامقلی عمادالدوله، (منوچهر میرزا)، پسر محمدعلی میرزا ملقب به دولتشاه، پسر فتحعلیشاه قاجار، مطرح کرده و ملاعلی زنوزی برای آنها جواب نوشته است. بدیع الملک میرزا در آن عصر مدتها در کردستان و کرمانشاهان و غیره حکومت داشته و از قرائن پیداست که وی حوالی سال ۱۲۵۰ ه.ق متولد و حوالی سال ۱۳۲۰ ه.ق در حدود هفتاد سالگی فوت کرده است.

بدیع الملک میرزا، علاوه بر ملاعلی زنوزی، با افزودن تعدادی سئوال دیگر بر نوشته خود، آنها را بعداً به میرزا علی اکبر مدرس حکمی یزدی فرستاده است. هریک از این علماء به سبک و سلیقه خود به این سئوالات جواب داده اند. نفس این مباحثات و نامه هایی که فرستاده شده فوق العاده اهمیت دارند، ولی چون نگارنده درباره این مباحث مجموعه ای از تحقیقات خود را در کتابی تحت عنوان *آشنایی ایرانیان با فلسفه های جدید غرب* انتشار داده است<sup>۱</sup>، از آوردن آنها در اینجا خودداری می کند. مسلماً بدیع الملک میرزا مطالب پراکنده ای درباره بعضی از متفکران جدید غربی شنیده بوده و همچنین از علوم جدید، خاصه هندسه و هیئت بی اطلاع نبوده است و بعضی از سئوالات او مربوط به امر نامتناهی است، ولی به هر

۱. درباره تمام این موضوع ها رک. به مجتهدی (ک) *آشنایی ایرانیان با فلسفه های جدید غرب*، ناشر مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، تهران، ج ۱، ۱۳۷۹ (صفحات ۲۳۷ تا آخر صفحه ۳۰۸)

ترتیب به لحاظ کانت‌شناسی، در کتاب بدایع الحکم درباره افکار کانت مطالب قابل ملاحظه‌ای بیان نشده است.

از طرف دیگر فراموش نباید کرد که در هر صورت اول باری که در ایران به نحو نظاممند و حساب شده از تاریخ فلسفه غرب سخن رفته، توسط محمدعلی فروغی بوده که می‌خواسته است اجمالاً از ابتدای تاریخ فلسفه تا عصر رنه دکارت فرانسوی را بررسی کند و از این رهگذر مقدمه‌ای برای ترجمه‌ای که از کتاب *گفتار در روش*<sup>۱</sup> او کرده بوده است، فراهم آورد. محمدعلی فروغی در آن عصر لازم می‌دانسته است ایرانیان را با پیدایش علوم جدید و با لزوم کاربرد صحیح عقل در شناخت مطالب، آشنا کند. به عقیده او، شناخت سیر حکمت در اروپا، وسیله‌ای برای بررسی و شناخت علم و تمدن جدید اروپا بوده است. بعد همانطور که خود توضیح داده، لازم دانسته است در دو جلد دیگر دنباله این سیر را بعد از دکارت شرح دهد و بالاخره آن را عملاً با گزارشی درباره فلسفه برگسن به پایان رسانده است.<sup>۲</sup>

در جلد دوم این کتاب شرح نسبتاً مفصلاً به کانت و فلسفه او اختصاص داده شده که نسبت به آنچه درباره این فیلسوف تا آن عصر گفته می‌شده، هم طولانی‌تر و هم صحیح‌تر بوده است. البته فروغی منابع خود را - اعم از شرقی یا غربی - ذکر نکرده است، ولی در هر صورت این نوشته را برای آن عصر بی‌اعتبار نمی‌توان دانست، خاصه که - مثل تمام قسمت‌های کتاب سیر حکمت در اروپا - مطالب، با اصطلاحات و معادل‌های فارسی مناسب و در هر صورت مفهوم بیان شده‌اند. البته این کتاب را به لحاظ مسئله آشنایی ایرانیان با فلسفه‌های جدید غرب، بیشتر یک سند معتبر تاریخی می‌توان دانست و هنوز امروزه برای هر متعاطی فلسفه غرب، اعم از اینکه به نحو حرفه‌ای به این رشته بپردازد و یا به نحو جنبی و برحسب تفنن این مطالب را مطالعه کند، کاملاً لازم و مفید به نظر می‌رسد.

در دوره‌های جدیدتر، می‌توان از کتاب‌های بسیار زیاد دیگری نام برد و حتی به متونی که از نوشته‌های خود کانت به فارسی ترجمه شده اشاره کرد. بعضی از این ترجمه‌ها با ارزش بوده و

#### 1. Discours de la méthode

۲. چاپ دوم جلد اول سیر حکمت با تجدید نظر و اصلاحات مؤلف به سرمایه شرکت کانون کتاب در چاپخانه گودرزی به سال ۱۳۱۷ چاپ شده است. جلد دوم این کتاب در چاپخانه مجلس به سال ۱۳۱۸ انتشار یافته که در آخر آن ۵۶ صفحه به زندگانی و افکار کانت اختصاص داده شده است. جلد سوم در چاپخانه بانک ملی ایران به سال ۱۳۲۰ به چاپ رسیده و در آخر آن ۴۳ صفحه به برگسن اختصاص داده شده است.



قابل توجه‌اند. نگارنده نیز درباره کانت علاوه بر درس نوشته‌های متداول، کتاب و مقاله‌هایی نیز انتشار داده و بدون اینکه آنها را بی‌نقص بداند از آوردن عناوین آنها در اینجا خودداری می‌کند، خاصه که نیت و منظور اصلی در اینجا الزاماً کتاب‌شناسی نیست.

کتاب حاضر برخلاف آنچه شاید از عنوان آن تصور شود، الزاماً یک گزارش درباره فلسفه کانت و مفسران او نیست، بلکه در اینجا بیشتر صحبت از حضور دائمی افکار این فیلسوف در فرهنگ اروپا از اواخر قرن هجدهم میلادی تا به امروز است. نگارنده سعی کرده است ضمن یادآوری کلیاتی درباره افکار کانت، بیشتر از متفکرانی سخن بگوید که هیچ‌یک الزاماً کانتی نبوده، ولی خواه ناخواه براساس بعضی از نکات فلسفه نقادی او، نظام‌های فکری مختلفی را عنوان کرده‌اند که الزاماً شباهتی به افکار او ندارند. البته در این کتاب هر یک از این متفکران مستقلاً به نحو اختصار معرفی شده‌اند و از این رهگذر کتاب عملاً تبدیل به یک دوره مختصری از تاریخ فلسفه‌های معاصر شده که در کشورهای آلمان، فرانسه و حتی در انگلستان تحقق پیدا کرده و منشأ اثر بوده‌اند.

به احتمال قوی شاید بتوان گفت که این تحقیق حاوی چیزی بیش از آنچه بطور متداول شنیده‌ایم به ما آموزش نمی‌دهد، ولی در عین حال امکانات گسترده و گاهی دور از انتظار فلسفه نقادی را نمایان می‌سازد که به انحای مختلف مورد استفاده قرار گرفته و در اذهان متأخران او انعکاس یافته‌اند. در واقع این مطالب دلالت به نوعی تنوع و ابداعات ذهنی دارند که جو فرهنگی اروپا را در دو قرن اخیر ترسیم می‌کنند. در هر صورت هیچ فیلسوف اروپایی مثل کانت بدون اینکه هیچ‌گاه به تمامه مورد قبول واقع شود، منشأ تأثیرات عمده اعم از یکدست و یا کاملاً متخالف و حتی گاهی متناقض نبوده است. به تصور می‌رسد که در این دوره بازگشت به کانت عملاً نوعی تأمل دوباره در نفس فلسفه بوده است، بدون اینکه همگان الزاماً درباره امکانات قابل برداشت از آن موافق باشند. همین جنبه موجب شده است که ذهن در فلسفه نقادی کانت نوعی پویایی درونی به تصور درآورد که فقط به اشکال مختلف قادر شده است، امکانات بی‌شمار بالقوه خود را نمایان سازد.

از طرف دیگر باید همچنین اشاره کرد که نگارنده لامحاله از بحث‌های استطرادی ابا نداشته و در واقع تا آنجایی که امکان پیدا می‌کرده و لازم می‌نموده از آوردن اطلاعات مستقل درباره این متفکران خودداری نمی‌کرده است. از این لحاظ این کتاب تا حدودی نیز صورت یک مجموعه درآمده است که خوانندگان را به تأمل درباره این افکار متنوع و می‌دارد تا فضای

ذهنی خود را بیش از پیش گشایش دهند و با موضع‌های شناخته شده و یا با افکار خاص ناشناخته عصر جدید و معاصر آشنایی بیشتری پیدا کنند. از طرف دیگر فلاسفه «رمانتیک» بعد از کانت جایگاه خاص خود را دارند، ولی بالاخره از افراد دیگری نیز که به نحو متفاوت فکر می‌کرده‌اند یا اصلاً فیلسوف نبوده‌اند و بیشتر به لحاظ اجتماعی و سیاسی از کانت سخن می‌گفته‌اند، چون خانم استائل<sup>۱</sup> آشنایی پیدا کنند. در این کتاب از نوکانتیان فرانسوی آخرفرن نوزدهم میلادی چون راوسون<sup>۲</sup>، لاشلیه<sup>۳</sup> و بوترو و از برخی متخصصان مشهور فلسفه نقادی کانت چون کوهن<sup>۴</sup> و کاسیرر<sup>۵</sup> نیز صحبت شده است. نظرات هیدگر<sup>۶</sup> در اجلاس دهکده داوس سوئیس تا حدودی برای مقابله با نظرگاه این استادان بوده است. البته از طرف دیگر نام‌های اشخاصی چون برگسن<sup>۷</sup> و بسیاری دیگری از جمله دلوز<sup>۸</sup> و غیره به لحاظی آورده شده که به هر ترتیب می‌توانسته‌اند ارتباطی از نوع خاص با کانت برقرار کنند.

همچنین باید یادآوری کرد طرخی که نگارنده اتخاذ کرده به ناچار شامل نظریه‌های علمی جدید نیز می‌شود. زیرا در دهه‌های اول قرن بیستم میلادی لامحاله آنها مطرح بوده‌اند. به هر ترتیب خواه ناخواه فلسفه کانت از لحاظی عمیقاً خط فاصل میان طبیعیات نیوتن مبتنی بر مطلق بودن جرم، مکان و زمان و نظریه‌های جدیدتر از جمله پلانک و انیشتین بوده است. البته از آنجا که نگارنده تخصصی درباره این مسائل ندارد، فقط به لحاظ تاریخی اشاره به مطالب شناخته شده مشهور کرده که البته دقیقاً منابع خود را نیز آورده است.

از طرف دیگر آنچه جالب توجه می‌نماید و یادآوری آن نیز در اینجا لازم به نظر می‌رسد این است که با وجود اعتبار نظریه‌های علمی، فلسفه کانت از لحاظ بسیاری از نظرگاهها - از جمله اخلاق و هنر - استقلال کامل خود را در مقابل تحصلی مسلکان حفظ کرده است. او نشان داده که عقل عملی تعلیق‌پذیر نیست و حکم آن مستقیماً با فعل انسانی رابطه پیدا می‌کند و مفهوم «انسانیت» وقتی که بر ضوابط کلیت و ضرورت شناسایی و علم انسانی افزوده می‌گردد، انسان دیگریک «فرد» نیست، بلکه «شخص» متعهد و مسئول معرفی می‌شود. بر حسب نظر کانت، «فرد» نمی‌تواند متعهد و مسئول تلقی شود ولی «شخص»

1. Staël (Germaine)(1766-1817)

2. Ravaisson (Felix)(1813-1900)

3. Lachelier (Jules)(1832-1918)

4. Cohen (Hermanne)(1842-1924)

5. Cassirer (Ernst)(1875-1945)

6. Heidegger (Martin)(1889-1976)

7. Bergson (Henri)(1859-1941)

8. Deleuze (Gilles)(1925-1995)

می‌تواند چنین باشد. در اینجا از اشاره به هنر خودداری کرده‌ایم، با اینکه برحسب آن در سنت فکری کانت، به ما اجازه داده شده است برای انسان ابعاد جدید بسیار مهمی تصور بکنیم. از طرف دیگر نگارنده متذکر می‌شود که مبتدیان و کسانی که از قبل به اندازه کافی مطالبی درباره فلسفه و تفکر نقادی کانت فرانگرفته‌اند، از مطالب این کتاب نمی‌توانند واقعاً استفاده کنند. از این لحاظ بهتر است آنها مطالعه آن را به دوره‌ای موکول نمایند که این نوع کمبودها را رفع کرده و آمادگی لازم را برای ورود به بحث‌های کتاب فراهم آورده باشند. با علم به اینکه استعداد و دانش نگارنده متأسفانه به اندازه علاقه و توجه او به فلسفه نیست، با این حال امیدوار است که این کتاب به معنای واقعی کلمه مورد استفاده دانشجویان و حتی اشخاص علاقمند واقع شود، یعنی آنهایی که نه الزاماً به فلسفه، بلکه در درجه اول به فرهنگ و قدرت درونی تعلیم و تربیت واقف هستند و حداقل به هر نوع خدمت در این زمینه‌ها به هر درجه‌ای از درجات که باشد ارجح می‌نهند. از طرف دیگر لازم به یادآوری است که کلمات و اصطلاحات خارجی این کتاب که در حاشیه آورده شده‌اند، تماماً به زبان فرانسه است و کلمات به زبان‌های دیگر جداگانه مشخص شده‌اند.

نگارنده وظیفه دارد در اینجا از جناب آقای دکتر حسینعلی قبادی، ریاست محترم پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به سبب تسهیلاتی که برای چاپ این کتاب فراهم آورده است سپاسگزاری کند. همچنین از آقای دکتر میثم سفیدخوش که با دقت و پشتکار، زحمت ویراستاری این نوشته را به عهده داشته‌اند صمیمانه قدردان باشد. از سرکار خانم معصومه دلداردیل نیز که کار دشوار حروف‌چینی و صفحه‌آرایی را انجام داده‌اند، کمال تشکر را دارم. همچنین از تمام آنهایی که به نحوی در شکل‌گیری این کتاب شریک بوده‌اند، صمیمانه متشکرم. خداوند متعال یار و یاور همگان باشد.



## قسمت اول



## شکل‌گیری افکار کانت و مسائل فلسفه نقادی او

I. شکل‌گیری افکار کانت تا سال ۱۷۷۰م: کانت در دوره‌های اولیه یادگیری‌های خود، آموزش منظمی درباره فلسفه نداشته است. او در درجه اول با تعلیمات فرقه پروتستان «پیتیسیم»<sup>۱</sup> مسیحی آشنا بوده که در آن شاخص ایمان صرفاً اخلاق محسوب می‌شده است؛ به نظر پیروان این فرقه، ایمان واقعی فقط از پاکی دل نشأت گرفته و در هر صورت تصور آنها این بوده است که فقط ساده‌دلان می‌توانند تقرب بیشتری به خداوند پیدا کنند و در نهایت رستگار شوند. گفته شده است که افراد خانواده کانت تماماً به همین فرقه «پیتیسیم» وابسته بوده و اصول آن را با عشق و رغبت مراعات می‌کرده‌اند؛ آنها تماماً افراد با ایمان و بسیار صادقی تلقی می‌شده‌اند. کانت همچنین در دوره کودکی نیز در دبستان فردریک آموزش دیده و اولین معلم او شخصی به نام شولزه<sup>۲</sup> بوده که به همان فرقه تعلق داشته و افزون بر عواطف انسانی، بسیار وظیفه‌شناس و منضبط نیز بوده است.

متخصصان بیان کرده‌اند که کانت در دوره کودکی در آموختن مقدمات لازم بسیار ساعی بوده و حتی از سیزده سالگی، شخصاً دوست داشته است مطالبی را به نگارش در بیاورد. البته به مرور دامنه مطالعات و تحقیقات او افزایش یافته و بیش از پیش به این فعالیتها علاقمند شده است. بطور کلی نوشته‌های اولیه کانت و دقت در تحولات آنها حائز اهمیت خاصی اند. او قبل

### 1. Piétisme

۲. (1692-1763) Schultz (Franz-Albert) او بیشتر متکلم بوده و از شاگردان ولف محسوب می‌شده که البته در مدارس گتنبورگ فعالیت داشته است. افزون بر او از استادان مسلم کانت در دوره‌ای که در مدرسه تحصیل می‌کرده است باید مارتین کنوتزن Martin Knutzen (متولد ۱۷۱۳ و متوفی به سال ۱۷۵۱ میلادی) که استاد بسیار با شخصیتی بوده که او هم از شاگردان ولف به حساب می‌رفته است. کانت نزد او مکانیک و نورشناسی فرا گرفته و مهمتر اینکه با فیزیک نیوتن آشنایی بیشتری پیدا کرده است. کنوتزن ده سال از کانت مسن‌تر بوده، ولی در ۳۸ سالگی فوت کرده است. عجیب اینجاست که در نامه‌های خود از استعداد خاص کانت صحبت نکرده و اسم او را میان شاگردان با استعداد و استثنایی خود نیاورده است.

از اینکه بتواند اصول فلسفه نقادی و روش استعلایی آنها را بیان کند، در این نوشته‌ها مطالب متنوعی آورده است که براساس آنها می‌توان احتمالاً مقاطع اصلی و مراحل تکوینی افکار و در نهایت نحوه شکل‌گیری نظام فلسفه نقادی او را تعیین و نمایان ساخت.

البته آثار اولیه کانت به خودی خود، صرفنظر از تأثیری که شکل‌گیری فلسفه نقادی داشته‌اند، قابل ملاحظه‌اند و به نحوی دامنه گسترش گرایش‌های ذهنی او را نیز نشان می‌دهند، ولی در عین حال مسلم است که نظام فکری نهایی او الزاماً به این تحقیقات پراکنده مؤول نمی‌شود، حتی بیشتر می‌توان تصور کرد که این نظام با فراروی از آن تحقیقات معنای اصلی خود را پیدا کرده است.

به هر ترتیب شاید گرایش‌های کاری کانت را قبل از دوره فلسفه نقادی بتوان به دو گروه متمایز تقسیم کرد: در دوره اول به نظر می‌رسد که او بیشتر به علمی چون ریاضی، فیزیک و هیئت پرداخته و در دوره دوم بیشتر به بحث در مسائل مابعدالطبیعه علاقمند شده است. با مسامحه دوره اول را می‌توان از سال ۱۷۴۷ تا سال ۱۷۵۵ م. در نظر گرفت و دوره دوم را از آن تاریخ تا سال ۱۷۷۰ م. دانست. به هر ترتیب در این مدت، گاه کانت در پی رفع اختلاف میان دکارت و لایب‌نیتس درباره نیروهای زنده، بوده و گاه سعی کرده است تا نظریه نظام جهان نیوتن را تکمیل کند، یعنی تکون جهان را براساس اصول تفکر کلی نیوتن شرح دهد. کانت همچنین فلسفه را با علوم ریاضی مورد مقایسه قرار داده و علاقمند به افکار و نظریه‌های اخلاقی متفکران انگلیسی، از جمله شافتبری<sup>۱</sup>، هاجسون<sup>۲</sup>، هیوم و غیره بوده و از طرف دیگر عمیقاً ژان ژاک روسو<sup>۳</sup> فرانسوی را تحسین می‌کرده است. او حتی به نظرات سوئدنبگ<sup>۴</sup> سوئدی توجه داشته است. درباره این موضوع کانت رساله‌ای می‌نویسد که ظاهراً رخیص به نظر می‌رسد، ولی محتوای آن بسیار جدی است. کانت در این رساله رویای یک شخص باطن بین<sup>۵</sup> را با مابعدالطبیعه مقایسه می‌کند. کانت همچنین تحت تأثیر رساله‌هایی از لایب‌نیتس که بعد از فوت او، به سال ۱۷۶۴ م. انتشار یافته بودند، مسئله لایب‌نیتس، یعنی

1. Shaftesbury (Antony-Ashley Cooper)(1671-1713)

۲. Hatcheson (Francis)(1694-1746) او ایرلندی و انگلیسی بوده است. عملاً از حقوق فردی دفاع می‌کرده است.

3. Rousseau (Jean.Jacques)(1712-1778)

۴. Swedenburg (Emanuel)(1688-1772) دانشمند و فیلسوف باطنی مسلک سوئدی.

۵. نگارنده در یکی از نوشته‌های قبلی خود درباره این موضوع مطالب بیشتری گفته است. ر. ک. به مجتهدی (ک)، افکار کانت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، چاپ اول ۱۳۸۶ (صفحات ۱۹ تا آخر ۳۵)



رابطه مکان را با اجسام مورد مطالعه قرار داده است. بالاخره او همچنین اعلام داشته است که به سبب دقت در افکار هیوم، از خواب جزمی بیدار شده و مسئله علیت را با عینیت مورد بحث قرار داده است. در این قسمت درباره موضوع آثار اولیه کانت به همین مختصر اکتفاء می‌کنیم، خوانندگان علاقمند می‌توانند به نوشته دیگری از نگارنده رجوع کنند.<sup>۱</sup>

البته همچنین باید یادآوری کرد که بعضی از متخصصان سعی کرده‌اند در این نوشته‌های پراکنده قائل به نوعی نظم ثابت شوند که بعضی دیگر با این نظر مخالف بوده‌اند. خود کانت گفته است که این مطالعات را بسیار اجمالی نوشته است و نمی‌توان آنها را در یک نظام واحدی قرار داد، با این حال به نظر می‌رسد که میان این دو دوره، افزون بر تمایز که به آن اشاره کردیم، نوعی رابطه مستقیم نیز وجود داشته و او از همان کنجکاو‌یهای اولیه خود، به مرور به نوعی فرضیه فلسفی واحد بنیادی همه جانبه دست یافته است. آنچه به لحاظ موضوع اصلی بحث این کتاب قابل ذکر است، اینکه: الف: توجه کانت به مسائل علمی، اعم از ریاضی، فیزیک، هیئت و غیره، به ناچار رابطه نزدیکی با فلسفه نظری او دارد. او با عبور از دوره اول به دوره دوم به هیچ‌وجه عزل نظر نکرده و گویی این تحقیقات همواره جنبه پیرامونی داشته که در واقع حول و حوش یک محور اصلی مرکزی در گردش بوده‌اند. با وجود تحول محرز در افکار کانت، باز در هر صورت به نظر می‌رسد که از این لحاظ گسست واقعی میان تحقیقات اولیه و تحقیقات بعدی او وجود نداشته است. ب: درست است که از سال ۱۷۷۰م. تا انتشار کتاب *نقادی عقل محض* به سال ۱۷۸۱م. ظاهراً از نوعی سکوت نزد کانت سخن گفته می‌شود، ولی به هر ترتیب با مکاتباتی که از کانت از این دوره باقی مانده، به خوبی پیداست که نه فقط تحولات ذهنی کانت پایان نیافته، بلکه حتی بعد از چاپ کتاب اصلی تا انتشار کتاب کوچکتر، یعنی تمهیدات<sup>۲</sup> به سال ۱۸۸۲م. و بعد حتی تا زمان چاپ دوم کتاب اصلی نقادی، با مقایسه‌ای که می‌توان میان دو پیشگفتار مختلف انجام داد، در فاصله زمانی میان این دو چاپ، باز همچنان نزد او از مراحل تکوینی افکار می‌توان سخن گفت و حتی به تغییرات مسلمی که او در بیان کلی افکار خود داشته است، اشاره کرد.

به هر ترتیب به سبب آنچه در اینجا آوردیم، بعد از فوت کانت در سال ۱۸۰۴م. تا به امروز - به دلایل مختلف و شاید به سبب اهداف متفاوت - اختلاف نظر مفسران فلسفه کانت همچنان

۱. ایضاً